



## The Role of the Artillery Unit of the 40th Division of Sarallah in the Karbala 1 Operation (July 1986)

Mohammad Sadegh Sabermanesh

Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran

**Abstract:** One of the most important moments in Iran's history is the Iran-Iraq war (1359-1367 AH). The forty-one army of Tharullah under the command of Qassem Soleimani (1335-1398 AH), a branch of the Islamic Revolutionary Guard Corps, is one of the vital and important organs of Kerman and played a crucial role in the mentioned period. The forty-one army of Tharullah itself was divided into different units, one of which was Artillery. The forty-one army of Tharullah artillery, established from Wal-Fajr operation 1 under the command of Maysham Mirshkari, until the end of the war and the acceptance of Resolution 598, was present in all operations. In the operation of Karbala 1 aimed at recapturing the city of Mehran from Iraq, the forty-one army of Tharullah and the artillery of this army played an important role. The statistical population of the research includes four commanders and warriors of the artillery unit who were present in this operation. The method of this research is descriptive-analytical based on oral history sources interviews with the commanders and warriors of the artillery unit and the use of written sources. This study, based on the performance of the artillery in this operation, shows that the artillery of the Tharullah army had fewer problems in terms of supplying the required ammunition than the previous operations. When the artillery ammunition was provided by the army, of course, there was the possibility of more fire support, and this factor was considered one of the success factors of the Karbala 1 operation.

**Key Words:** Artillery Unit, The forty-one Army of Tharullah Artillery, Karbala 1 Operation, Iran-Iraq War.

### نقش واحد توپخانه لشکر چهل ویک ثارالله در عملیات کربلای یک (تیر ۱۳۶۵ ه.ش)

محمد صادق صابرمنش

گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۶

#### چکیده

از برهه‌های مهم تاریخ ایران جنگ ایران و عراق (۱۳۶۷-۱۳۵۹ ه.ش) است. لشکر چهل ویک ثارالله کرمان به فرماندهی قاسم سلیمانی (۱۳۹۸-۱۳۳۵ ه.ش)، زیرمجموعه سپاه پاسداران و از ارگان‌های حیاتی و مهم کرمان، نقشی مهم و حیاتی را در دوران جنگ ایران و عراق ایفا کرد. لشکر ثارالله خود به واحدهای مختلف تقسیم می‌شد که یکی از این واحدها توپخانه بوده است. توپخانه لشکر ثارالله که از عملیات والفجر یک با فرماندهی میثم میرشکاری تأسیس شده بود، تا پایان جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸، در تمامی عملیات‌های لشکر چهل ویک ثارالله حضور داشت. در عملیات کربلای یک که با هدف تصرف مجدد شهر مهران از دست عراق انجام شده بود، لشکر ثارالله کرمان و بالطبع توپخانه این لشکر نقشی مهم را به عهده داشت. جامعه آماری پژوهش شامل چهار نفر از فرماندهان و رزمندگان توپخانه است که در این عملیات حضور داشته‌اند. روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و بر پایه منابع تاریخ شفاهی، مصاحبه با فرماندهان و رزمندگان واحد توپخانه و استفاده از منابع مکتوب است. این پژوهش بر پایه سیر عملکرد توپخانه در این عملیات، نشان می‌دهد توپخانه لشکر ثارالله نسبت به عملیات‌های قبلی، از نظر تأمین مهمات مورد نیاز، مشکلاتی کمتر را دارا بود. هنگامی که مهمات توپخانه از سوی لشکر تأمین می‌شد، بالطبع امکان پشتیبانی آتش بیشتری هم وجود داشت و همین عامل از عوامل موفقیت عملیات کربلای یک محسوب می‌شد.

**واژه‌های کلیدی:** واحد توپخانه، لشکر چهل ویک ثارالله، عملیات کربلای یک، جنگ ایران و عراق.

## مقدمه

جنگ ایران و عراق یکی از برهه‌های حساس در دوران تاریخ معاصر ایران است. این جنگ که با عناوینی همچون دفاع مقدس یا جنگ تحمیلی در فرهنگ و ادبیات ایران جای گرفته است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷ ه.ش)، با حمله مستقیم نیروهای بعثی عراق به فرماندهی صدام حسین در سی و یکم شهریورماه ۱۳۵۹ با هدف سرنگونی انقلاب اسلامی آغاز شد و بعد از گذشت قریب هشت سال، با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل در تیرماه سال ۱۳۶۷ به پایان رسید. اهمیت نگارش خاطرات جنگ تا حدی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت اولین سالگرد هفته دفاع مقدس، در این باره فرموده‌اند: «از همه نگارندگان حوادث جنگ و همه کسانی که توان انجام وظیفه در این مهم را دارند، درخواست می‌کنم تا از ثبت و ضبط جزئیات این دوران غفلت نکنند و این گنجینه تمام‌نشدنی را برای آیندگان به ودیعه بگذارند» (۱۳۶۸/۰۶/۳۰).

از ابتدای شروع جنگ ایران و عراق، یگان‌های نظامی ایران از جمله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که نهادی نوپا محسوب می‌شد، در کنار سایر یگان‌های نظامی ایران مانند ارتش، به پاسداری از مرزهای ایران اسلامی همت ورزیدند. سپاه پاسداران خود به واحدهای مختلف تقسیم می‌شد که از میان آن‌ها باید به لشکر چهل‌ویک ثارالله کرمان به فرماندهی سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی (۱۳۹۸-۱۳۳۵) اشاره کرد. این لشکر با تمام ظرفیت و توان خود در عملیات‌های متعدد دوران جنگ حضور داشت و یکی از واحدهای مؤثر آن توپخانه بوده است. با وجود سابقه توپخانه در ارتش جمهوری اسلامی ایران، این یگان در لشکر ثارالله نوپا محسوب می‌شد و از عملیات‌های والفجر مقدماتی و سپس والفجر یک در عرصه جنگ حضور داشت. در میان عملیات‌های متعدد لشکر ثارالله که در همه آن‌ها توپخانه هم حضور داشت، عملیات کربلای یک عملیاتی مهم والته موفقیت‌آمیز بوده است. با وجود بازپس‌گیری شهر مهران در عملیات والفجر سه (مرداد ۱۳۶۲ ه.ش)، نیروهای عراقی برای جبران شکست‌های

خود بار دیگر این شهر را که در حالت پدافندی و در اختیار نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار داشت، تصرف کردند. بعد از این رخداد، مجدداً نیروهای ایرانی از جمله لشکر ثارالله بسیج شدند و به سوی این منطقه برای بازپس‌گیری آن حرکت کردند. واحد توپخانه که تحت فرماندهی سید مرتضی موسوی قرار داشت، دوشادوش رزمندگان ایرانی، آتش را بر روی نیروهای عراقی تهیه کرد و با توجه به نقش سازنده آن، از عوامل پیشبرد و موفقیت در این عملیات بود.

در رابطه با موضوع مطالعه حاضر پژوهش‌هایی انجام شده‌اند که از اصلی‌ترین آن‌ها که با نقش لشکر ثارالله در استان کرمان مرتبط بوده است باید به کتاب اطلس لشکر چهل‌ویک ثارالله در هشت سال دفاع مقدس نوشته عباس میرزایی اشاره کرد. این منبع نقش لشکر چهل‌ویک ثارالله و یگان‌های آن در طول هشت سال نبرد را بررسی کرده است. منبع مهم بعدی کتاب *جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس* است. در این منبع که به نویسندگی احمد پوراحمد توسط پژوهشکده علوم و معارف دفاع مقدس به شیوه اطلس نگاشته شده است، از ابتدا تا انتهای عملیات‌های دوران جنگ ایران و عراق، مانند والفجر یک، بررسی و کندوکاو شده است. از میان سایر پژوهش‌هایی که در رابطه با عملیات کربلای یک انجام شده‌اند باید به منابع زیر اشاره کرد: *عملیات کربلای یک (آزادی مهران: شکست راهبرد دفاع متحرک عراق)* از مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، کتاب *سکوت شکسته* از سید هادی سعادت‌مند نشر شهید کاظمی در رابطه با خاطرات محمود پاک‌نژاد فرمانده اطلاعات عملیات لشکر هفده علی ابن ابی‌طالب (ع)، کتاب *فرار از اسارت: نقش ثارالله در عملیات کربلای یک (نبرد دوم مهران)* از عباس میرزایی انتشارات گرا کرمان که در آن به نقش تخصصی لشکر ثارالله و در بخشی از این منبع به نقش دیده‌بانی توپخانه لشکر چهل‌ویک ثارالله اشاره‌هایی شده است.

به جز منابعی که به طور کلی درباره این عملیات توضیحاتی را ارائه می‌دهند، پژوهش‌هایی در رابطه با نقش

رابطه با جزئیات مصاحبه‌های این پژوهش، باید افزود تمام مصاحبه‌های فرمانده واحد توپخانه، سید مرتضی موسوی، در مؤسسه تاریخ شفاهی حماسه ثارالله کرمان توسط محمد علی ابراهیمی در طی حدود یک سال (۱۳۹۸-۱۳۹۷) ضبط شده‌اند. علاوه بر او، از سایر رزمندگان مانند یوسف آسیابانزاد، علی سلطانی‌نژاد و رضا نوروزی بهجت، به صورت انفرادی در محل مؤسسه فرهنگی و هنری حماسه ثارالله کرمان واقع در خیابان شهید رجایی کرمان درباره عملکرد آنان در واحد توپخانه مصاحبه شده است و بر اساس عملیات تحت بررسی این پژوهش، بخش‌های مورد نیاز بازخوانی شده‌اند. علاوه بر آن، یک سری از اسناد در مؤسسه فرهنگی و هنری حماسه ثارالله هم وجود داشته‌اند که آن‌ها هم به صورت مصاحبه‌های کوتاه به دست آمده‌اند و موجود هستند.

### هدف از عملیات کربلای یک

در پی شکست بسیار سنگین ارتش عراق در عملیات پیروزمندانۀ والفجر هشت و فتح فاو، عراقی‌ها با راهبرد دفاع متحرک در هفدهم اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۵ مهران را به اشغال خود درآوردند. عراق این حرکت را اقدامی در برابر تصرف فاو قلمداد می‌کرد. متقابلاً، رزمندگان برای ابطال تبلیغات عراق و بیرون راندن دشمن از مهران، تصمیم به آزادسازی دوباره این شهر گرفتند (میرزایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۸).

عملیات موفق والفجر هشت که موجب تصرف شبه‌جزیره فاو و کوتاه کردن دست عراق از شمال خلیج فارس شد، روحیه ارتش عراق را به کلی ضعیف کرد. در پی این عملیات، نگرانی حامیان عراق به شدت برانگیخته شد و آن‌ها برای جلوگیری از روند برتری ایران در جنگ، سلاح‌هایی بسیار بیشتر را به عراق ارسال کردند تا این کشور سریع‌تر از گذشته ساختار ارتش خود را گسترش دهد. این دستور به فعالیت‌هایی معروف به «راهبرد دفاع متحرک عراق» انجام شد. این اقدام دشمن برای مدتی کوتاه مؤثر افتاد و مناطقی از سرزمین‌های اشغال‌شده از جمله شهر مهران بار دیگر اشغال شدند. عراق پس از

توپخانه سپاه پاسداران انجام شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به منابع زیر اشاره کرد: مقاله «نقش توپخانه سپاه در دو عملیات بزرگ والفجر هشت و کربلای پنج» از حجت‌الله کریمی، مقاله «عملکرد توپخانه صحرائی نزاچا در هشت سال دفاع مقدس» از مسعود مطاعی، مقاله «توپخانه سپاه» از علیرضا یزدانی، کتاب **صغیر صاعقه** از علی کیخا و کتاب **در راه** (مجموعه خاطرات کارکنان مرکز آموزش توپخانه اصفهان).

هیچ کدام از منابع بالا، شامل کتاب‌ها یا مقاله‌هایی که به کلیات عملیات کربلای یک یا نقش توپخانه سپاه اشاره‌هایی کرده‌اند، به اصل عملکرد توپخانه لشکر چهل و یک ثارالله و نقشی که این یگان نظامی در این عملیات داشته است به طور مستقل اشاره نکرده است. در این میان، کتاب **فرار از اسارت**، با توجه به نگارش تخصصی نقش لشکر ثارالله و واحدهای آن، نسبت به سایر منابع اطلاعاتی بیشتر را در اختیار قرار می‌دهد. سایر منابع یا به صورت داستانی نگاشته شده‌اند یا در رابطه با توپخانه لشکر ثارالله اطلاعاتی را به دست نمی‌دهند.

فقدان یک روایت مستقل مبتنی بر نقش یگان توپخانه لشکر چهل و یک ثارالله کرمان باعث شده است تا این پژوهش مستقل و بکر پدید آید. علاوه بر این، از آنجا که این پژوهش مبتنی بر تاریخ شفاهی و مصاحبه با رزمندگان است، اهمیت انجام آن بسیار زیاد است و پژوهشی کاملاً نوآورانه محسوب می‌شود.

### تاریخ شفاهی پروژه

روش پژوهش شفاهی در این پژوهش ابتدا، ضبط مصاحبه از رزمندگان حاضر در این یگان از جمله فرمانده توپخانه، سید مرتضی موسوی و سایر رزمندگان حاضر در نبرد و سپس، اجرای مصاحبه‌ها و در نهایت، نگارش مطالب بر اساس روال عملیات است. در این پژوهش، سعی شده است تا حد امکان اصالت مصاحبه در عین بازخوانی آن حفظ شود. البته، در مواقع ضروری، از نقل قول مستقیم برای انتقال بهتر مطلب استفاده شده است. در



شهادت رسید. حدود دو ساعت این افراد در منطقه به سر می‌بردند؛ ولی هیچ‌گونه تلفاتی وجود نداشت؛ حتی هنگامی که کمپرسی مهمات در حال حرکت به منطقه بود و در وسط میدان تیر، هواپیماهای دشمن چهار طرف این کمپرسی را بمباران کردند: «راننده کمپرسی با گفتن اینکه به هر حال آخرین لحظات زندگی ما است، رفته بود بالای تاج کمپرسی و «الله اکبر الله اکبر» می‌گفت تا اینکه خوشبختانه هواپیماهای دشمن رفتند و کمپرسی صحیح و سالم در همان‌جا سر جای خودش باقی ماند» (آسیابانزاد، ۱۳۶۹/۴/۱۸، AKASRZ\_161A.mp3؛ سند شماره ۹-۰۹۹۵، موسوی و شیری، بی‌تا).

### مرحله اول عملیات

بعد از استقرار در محل، کارهای شناسایی و اطلاعات عملیات انجام شد و سپس، تعدادی از نیروهای لشکر ثارالله برای بازپس‌گیری ارتفاعاتی مانند کله قندی اعزام شدند. اگرچه در اولین حمله، نیروهای عراقی نیروهای ایران را عقب زده بودند، هنوز مواضع جدی را برای مقابله اتخاذ نکرده بودند. در کل، نیروهای عراقی بیشتر در فکر پیشروی بودند تا ایجاد موانع و پیشگیری از نیروهای ایرانی. نیروهای عراقی فقط موانعی مختصر را در حد میدان مین و سیم خاردار ایجاد کرده بودند (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

کارهای شناسایی عملیات هم حدود چهار تا پنج روز قبل از شروع عملیات توسط لشکر ثارالله انجام شد. پس از شناسایی عملیات، توپخانه لشکر هم مواضع خودش و هم توپ‌ها را مستقر کرد. دیده‌بانان واحد توپخانه هم بعد از توجیه شدن، یک طرح آتش مقدماتی را آماده کردند. این کارها در حدود پنج تا شش روز انجام شد و قرار شد تا عملیات اصلی در هنگام شب انجام شود. برای عملیات اصلی، دو ارتفاع را که در امتداد یکدیگر قرار داشتند به لشکر ثارالله واگذار کردند. رزمندگان توپخانه هم نقطه ثبتي را گرفته بودند و بر روی این ارتفاعات آماده اجرای آتش بود؛ اما درخواستی از سوی رزمندگان حاضر در خط به دلیل تاریکی شب و استفاده از اصل غافلگیری و دیده

نشدن مواضع نیروهای ایرانی مطرح نشد. رزمندگان ایرانی با پیشروی در شب، مواضع از پیش تعیین شده را تصرف کردند و صبح روز بعد، بر روی همان ارتفاعات ادامه عملیات را انجام دادند و گردان‌ها را توی منطقه قرار دادند. سپس، از صبح روز بعد، آتش‌های از پیش تنظیم شده و هدایت شده بر روی مواضع دشمن ریخته شدند. واحد ادوات هم که مکمل واحد توپخانه بوده است، در تهیه آتش به توپخانه کمک می‌کرد. در رابطه با نحوه اجرای عملیات‌ها هم جلساتی متعدد برگزار شد؛ به طوری که از بدو ورود به منطقه چندین جلسه برگزار شد. روند پیشرفت امور هم توسط فرمانده لشکر ثارالله، شهید قاسم سلیمانی، پیگیری می‌شد. واحدهایی مانند تسلیحات، توپخانه، ادوات، پدافند، گردان‌های رزم اطلاعات و عملیات مرتباً در شورا جلساتی را برگزار می‌کردند. در این جلسات، هر واحدی نظرات خودش را مطرح می‌کرد. روز بعد از پیشروی نیروهای ایرانی، تمام گردان‌های حاضر در منطقه در مواضع از پیش تعیین شده حضور یافتند. دیده‌بانان وظیفه اصلی را در بُعد ایجاد آتش ایفا کردند و بر روی اهداف مدنظر کار می‌کردند. با هماهنگی‌های انجام شده، شدت آتش واحدهای لشکر به ویژه توپخانه و ادوات تا حدی زیاد بود که عراقیان توانستند روی آن ارتفاعات بمانند. فرمانده لشکر هم گردان‌های پیاده را راه انداخته بود تا اهداف را تصرف کنند. دو تا سه عدد از تپه‌هایی که قرار بود شب عملیات تصرف شوند با پیشروی سریع نیروها و رزمندگان ایرانی بعد از ظهر تصرف شدند. گردان‌های پیاده با کمک آتش‌هایی که از سوی توپخانه پشتیبانی می‌شدند، موفق به تصرف تپه‌های یادشده شدند. اهداف اولیه لشکر ثارالله همین چند عدد تپه و ارتفاع بود که به طور کامل تصرف شدند و لشکر به اهداف خود دست یافت. در سمت چپ لشکر ثارالله، لشکری دیگر وجود داشت که همان شب عملیاتی را انجام داد و اهدافش را تصرف کرد. بعد از تصرف این ارتفاعات، ایران به عراق مشرف شد و فقط دشت مهران و رودخانه کنجان چم در جلو قرار داشت. از طرف شمال هم، لشکرهای بعدی که مأمور شده بودند روی جاده دهلران عملیات خودشان را انجام دادند.

فاصله زیاد، تشخیص خط مقدم با وجود این موانع بسیار سخت و دشوار بود. اگرچه عراق خاکریزی را احداث کرده بود؛ آن خاکریز تا حدی از صحنه نبرد فاصله داشت و نیروهای عراقی بعضاً بر روی زمین قرار داشتند. مشخص نبود خط پدافندی اصلی دشمن در کدام منطقه وجود دارد و فقط تانکی یا سنگری در این بخش قابل مشاهده بود؛ «تو زمین مشخص نمی شد خط پدافندی اصلی دشمن کجا است. سنگری یا تانکی خیلی کم دیده می شد؛ اما روی زمین از خود ارتفاعات قلاویزان که نگاه می کردی، می آمد تا این جاده مهران دهلران را قطع می کرد می رفت به طرف جاده ایلام، اصلاً خط پدافندی دشمن دقیق مشخص نمی شد که مثلاً روی زمین عارضه‌ای مشخص باشد و این تاکتیکی جدید بود» (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

در مرحله جدید عملیات، اولین کاری که به لشکر ثارالله محول شد این بود که خاکریزی را ایجاد کند؛ از این رو، در منطقه پدافندی دشمن، واحد مهندسی امکاناتش را به خط نبرد منتقل و شروع به خاکریزی کرد. علاوه بر آن، خاکریزهایی را برای لشکر ثارالله، علی ابن ابی طالب، لشکر ۲۵ و لشکر ۱۷ قرار داده بودند. البته یکی دو بار محل لشکرها را عوض کردند. آخرین نقطه‌ای که به خط لشکر ثارالله واگذار شد بین جاده مهران و ارتفاعات قلاویزان در حدود سه تا چهار کیلومتری عرض محور عملیاتی لشکر قرار داشت. اولین کار لشکر هم همان احداث خاکریزهایی بود که مهندسی تصمیم داشت آن‌ها را ایجاد کند. این خاکریزهای بلند باعث می شد تا جلوی دید دشمن گرفته شود. در داخل این خاکریزها، ادوات، سلاح و تجهیزات جنگی قرار داده شدند. همه این کارها به منظور آماده‌سازی نهایی برای اجرای عملیات انجام می شد (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

مرحله دوم این عملیات با توجه به اقدامات انجام شده جنگ مهندسی نام گرفت. اولین کاری که لشکر در بحث آماده‌سازی انجام داد، احداث همان خاکریز دفاعی بود. بعد از احداث اولین خاکریز دفاعی، تا چند کیلومتر جلوتر از نیروهای عراقی هیچ خبری نبود. واحد مهندسی حدود دو کیلومتر جلوتر خاکریزی دیگر را احداث کرد.

با وجود تمام این پیشروی‌ها، عراق تا حدی به عقب حرکت کرد و به شهر مهران عقب نشست؛ البته با وجود این، مجدداً بر روی همان ارتفاعات کله قندی مقاومت می کرد. بعد از اینکه ارتفاعات کانی سخت همگی متصرف شدند، مقاومت عراق در کله قندی هم به پایان رسید و عراق به داخل شهر مهران عقب نشست. بعد از عقب‌نشینی عراق، فقط محور محاصراتی دهلران باقی ماند و عراق در این آخرین نقطه خودش روی زمین سنگر زده بود و خاکریز نصب کرده بود. در این زمان، عملیات کربلای یک با ماه رمضان تداخل پیدا کرد و از این رو، توقیفی در عملیات ایجاد شد؛ اما لشکر ثارالله در همان منطقه صالح آباد ایلام بین مهران و ایلام باقی مانده بود. منطقه صالح آباد به گونه‌ای بود که حدود ۱۵-۲۰ کیلومتر ارتفاع و جنگل اطراف آن را محاصره کرده بود. از سوی دیگر، یک سایت مخابراتی مشرف به دشت صالح آباد قرار داشت. لشکر ثارالله، با توجه به فرا رسیدن ماه رمضان، اردوگاهی را راه اندازی کرد و در همان جا ماندگار شد و به اهواز بازنگشت. در طول ماه رمضان، تحرکی از سوی طرفین وجود نداشت؛ ولی طرح نهایی کربلای یک برای تصرف کامل مهران در حال آماده‌سازی بود. برای هر لشکر یک خط حدی مشخص شد و لشکرها در حال انجام کارهای شناسایی و آماده‌سازی بودند (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

### مرحله دوم عملیات

پس از اتمام ماه رمضان و گذشت یک ماه، مجدداً نیروها به منطقه مهران بازگشتند. در طول این یک ماه، به نحو مطلوب کارهای شناسایی و انتخاب موضع انجام شده بود. البته از سوی دیگر، نیروهای عراقی هم بیکار ننشسته بودند و خطوط دفاعی خود را در منطقه مهران ایجاد و تقویت کرده بودند. دشت مهران پستی و بلندی داشت و به طور کامل مسطح نبود. همچنین، ارتفاعات قلاویزان و ارتفاعات کانی سخت دارای پستی‌ها و بلندی‌هایی زیاد بود؛ از این رو، نیروهای عراقی تمام تجهیزات و اسلحه‌های خود را در داخل زمین قرار داده بودند. از

فاصله داشت؛ از این رو، رزمندگان واحد توپخانه مجبور شدند توپ‌ها را به جلوتر منتقل کنند تا برد توپ‌ها مؤثرتر باشد. این ارتفاعات که عراق در آن مستقر بود توسط لشکر تارالله تصاحب شد. چند روزی درگیری توپخانه و لشکر و عراق بر سر این ارتفاعات وجود داشت لشکر سمت چپ توپخانه هم موفق شد تا ارتفاعات قلاویزان را به طور کامل از دشمن پاک‌سازی کند. ارتفاعات قلاویزان از والفجر سه در دست عراق بود و در عملیات کربلای یک پاک‌سازی شد. بعد از این پیشروی‌ها، عراق به زرباطیه عقب نشست. مدت درگیری در ارتفاعات چهار تا پنج روز بود و کل مدت زمان عملیات هشت تا ده روز طول کشید. تقریباً تمام اهداف کربلای یک به دست آمدند و این عملیات جزء عملیات‌هایی بود که صد درصد موفقیت‌آمیز بودند. ارتفاعات قلاویزان در سمت چپ مهران قرار داشت که پاک‌سازی شد. بخشی از شهر مهران هم ارتفاعات کانی سخت بود که آن هم پاک‌سازی شد. با پیشروی در این دو منطقه (قلاویزان و کانی سخت)، ارتفاعی وجود نداشت که مشرف به شهر مهران باشد. با موفقیت در این عملیات، دفاع متحرک صدام هم متوقف شد» (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

### نقش واحد توپخانه در عملیات کربلای یک

توپخانه قرارگاه نجف که در منطقه حاج عمران درگیر بود در این عملیات حضور نداشت و به‌جای آن، گروه توپخانه ۶۳ خاتم‌الانبیا (ص) از سپاه - که پس از حمله عراق به مهران به منطقه آمد - مأموریت اجرای آتش را به عهده داشت. برآورد کلی این گروه برای تأمین آتش مورد نیاز عملیات ۹ گردان مختلط بود. پس از هماهنگی با ارتش، در نهایت، ۳ گردان توپخانه از ارتش شامل توپ‌های ۱۰۵ میلی‌متری، ۱۳۰ میلی‌متری، ۱۵۵ میلی‌متری، ۲۰۳ میلی‌متری و کاتیوشا و ۶ گردان توپخانه از سپاه شامل توپ‌های ۱۳۰ میلی‌متری، ۱۵۲ میلی‌متری و کاتیوشا در نظر گرفته شدند. برای اجرای هماهنگ آتش نیز سه تطبیق مشترک برای یگان‌های عمل‌کننده - هر دو یگان یک تطبیق مشترک - و یک تطبیق کلی تعیین شدند

این خاک‌ریز به صورت سراسری و به طول هشت تا نه کیلومتر بود. این خاک‌ریز که زده شد، نیروها آنجا مستقر شدند. مواضع عراق به طور کامل پراکنده بود و در زمین هیچ‌گونه خط ممتدی وجود نداشت. بعد از احداث این دو خاک‌ریز، خاک‌ریز سوم توسط رزمندگان ایرانی زده شد. از این خاک‌ریز سوم حدود ۵-۶ کیلومتر بر اساس برد توپخانه تا خط مقدم ایرانیان فاصله بود. با توجه به تعداد زیاد خاک‌ریزها و نیز برد توپخانه، فرماندهان واحد توپخانه توپ‌ها را در خاک‌ریز اولی که به عنوان خط مقدم احداث شده بود، قرار دادند. هنگام ساخت خاک‌ریز سوم و زدن بیل مکانیکی بر اساس نقل واحد مهندسی، چند عراقی دست‌ها را بالا می‌آوردند و تسلیم می‌شوند؛ این افراد زیر سنگرها مخفی شده بودند. با همین اقدامات واحد مهندسی و کارهای آماده‌سازی، دیده‌بانی تا شب عملیات انجام شد. نیروهای گردان عمل‌کننده در هنگام روز پشت خاک‌ریزی مستقر شدند که در خط مقدم بود. در بعدازظهری که قرار بود عملیات انجام شود، دیده‌بان‌های توپخانه به خط مقدم منتقل شدند. دو گردان عمل‌کننده با تمام تجهیزات پشت خاک‌ریز مستقر شدند. در شب عملیات، شهید عرب پایش به یکی از منوره‌های طول مسیر که برای مشخص کردن شعله بود برخورد کرد؛ ولی چفیه را در دهان خودش قرار داد تا عملیات لو نرود. شهادت وی به این صورت بود که منور به کوله‌اش اصابت کرد و باعث شد کوله آریپیچی آتش بگیرد. نیروهای عراقی در این عملیات چندین مقاومت نکردند و به صورت پراکنده هیچ نوع مواضع ثابت و مستحکمی را در اختیار نداشتند. در بحث پشتیبانی آتش هم، به گونه‌ای برنامه‌ریزی شده بود تا آتش سراسر منطقه مهران را پوشش بدهد (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

فرمانده واحد توپخانه لشکر تارالله موفقیت در عملیات را در عامل زیر می‌داند: «بعد از پاک‌سازی دشت و منطقه مهران از سوی ایرانی‌ها در مرحله اول عملیات، نیروهای عراقی بسیار سریع فرار کردند و به مواضع قبلی خودشان بازگشتند. مواضع آن‌ها بر روی ارتفاعاتی قرار داشت که این ارتفاعات حدود پانزده تا بیست کیلومتر از شهر مهران

و به عبارت بهتر، حالت ادغام با لشکری دیگر، مانند عملیات‌های قبل از کربلای یک، وجود نداشت (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

توپخانه مأموریت داشت تا در شروع هر مرحله از عملیات به مدت ۱۵ دقیقه عملیات را پشتیبانی کند و با اجرای آتش‌های ضد آتشبار و پشتیبانی مداوم آتش، نیاز یگان‌های عملیاتی را تأمین کند. البته معضل اصلی کمبود مهمات {در حد کمتر از سایر عملیات‌ها} بود که تا آستانه عملیات این ضعف باقی ماند. همچنین، مقرر شد تا قبل از شروع عملیات همه تطبیق‌های آتش آماده شوند و آخرین وضعیت خود را نیز گزارش دهند (میرزایی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۶).

برای رفع مشکل کمبود مهمات، قرار شد تا تاریخ ۱۳۶۵/۴/۵، یک آتشبار ۱۵۵ میلی‌متری با استعداد چهار قبضه از گردان ۳۵۰ لشکر ۲۱ حمزه که در گیلان غرب مستقر بود، به لشکر ۲۵ کربلا کمک کند. مسئول توپخانه لشکر یک بار در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۶ و بار دیگر در روز ۱۳۶۵/۴/۸ برای هماهنگی به گیلان غرب رفت تا کار نقل و انتقال قبضه‌های توپ را انجام دهد؛ اما به دلیل اینکه فرمانده توپخانه لشکر به مرخصی رفته بود، این امر تحقق نیافت و سایر مسئولان لشکر قول جابه‌جایی توپخانه را به سی روز دیگر حواله دادند. در نهایت، با پیگیری‌های مستمر و مصراغه فرمانده لشکر ۲۵ و ارسال نامه‌های گله‌آمیز به قرارگاه نجف و بیان مشکلات و خطرهایی که از این نظر بر سر راه نیروهای عملیاتی قرار داشت، ۴۸ ساعت پس از شروع عملیات، یعنی در تاریخ ۱۳۶۵/۰۴/۱۱، زمانی که فرمانده آتشبار از مرخصی بازگشت، کار انتقال قبضه‌های توپ انجام شد (میرزایی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۶، به نقل از سند شماره ۱۹۵۹۴ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ: ۱۳۶۵/۰۴/۱۷).

به منظور خنثی‌سازی عملیات شناسایی نیروی هوایی عراق، همه یگان‌های توپخانه در این عملیات موظف به رعایت اصول حفاظتی، استتار قبضه‌ها، مهمات و دیگر تجهیزات شدند. به دلیل آلوده بودن منطقه چکه موسی به عناصر وابسته به استخبارات عراق موسوم به فرسان،

(میرزایی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۵، به نقل از سند شماره ۶۵۶ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، ص. ۲۷).

هسته ابتدایی آتشبارهای توپخانه برای شروع عملیات در حد دو عدد بود و بعد از گذشت عملیات به این مقدار اضافه شد. قبل از شروع عملیات کربلای یک، قبضه‌های ۱۲۲، ۱۳۰ و ۱۰۵ اغنیمی در فاو وجود داشتند. برای شروع این عملیات، تمام توپخانه فاو به طور کامل تخلیه و به منطقه مهران منتقل شد. در تشکیلات توپخانه، هر آتشبار از چهار قبضه تشکیل می‌شد. یکی از آتشبارهای این عملیات، یعنی آتشبار ۱۲۲، حدود چهل تا پنجاه عدد سهمیه گلوله برای هر قبضه در روز داشت؛ بنابراین، در مجموع، روزانه دویست عدد سهمیه گلوله داشت. این تعداد مهمات به صورت ده‌روزه و یکجا در ابتدای عملیات به یگان توپخانه تحویل داده می‌شد. در روزهای اول مصرف مهمات زیاد بود و سپس کم می‌شد (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

سید مرتضی موسوی مسئول توپخانه لشکر ثارالله می‌گوید: «تطبیق آتش یعنی مطابقت دادن، هماهنگ کردن و طراحی کردن آتش. مرکزی که آتش‌ها را طراحی و هماهنگ می‌کند و به آن مرکز هماهنگی آتش می‌گویند شامل تعدادی کارشناس است که بر اساس طرح عملیاتی، آتش‌های پشتیبانی را طراحی می‌کنند و به توپخانه هر یگان می‌گویند برای مثال کجا را بزن و حتی تعداد گلوله‌ها را مشخص می‌کنند. به کاری که این مرکز هماهنگی آتش انجام می‌دهد تطبیق آتش می‌گویند. مرکز هماهنگی آتش دائماً در طول عملیات وضعیت آتش را مشخص می‌کند؛ به طوری که با عوض شدن خط، پیشروی عراق و تطبیق آتش، آتش را هماهنگ می‌کند. برای چند لشکر که در یک محور عمل می‌کنند، یک تطبیق آتش راه‌اندازی می‌شود تا هر جا به آتش نیاز بود، همه توپخانه‌های لشکر عمل‌کننده در آن محور آتش بریزند. طراحی و به‌کارگیری آتش به عهده مرکز تطبیق آتش است» (میرزایی، ۱۳۹۶، ص. ۲۸۶).

همین تدابیر باعث شده بود تا از لحاظ تطبیق آتش، بحثی مستقل برای توپخانه لشکر ثارالله وجود داشته باشد







خورشیدی و کاووسی اشاره کرد. این اشخاص اعضای اصلی و ثابت توپخانه بودند که در همه عملیات حضور داشتند. اعضای توپخانه در همان سمت‌های قبلی خودشان بودند و جابه‌جایی چندانی درباره آن‌ها اجرا نشد. تنها جابه‌جایی به این صورت بود که فرمانده آتشبار یکم مسئولیت فرمانده آتشبار دوم را به عهده گرفت (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

همچنین، رضا قآنی به عنوان فرمانده دیده‌بانی توپخانه مشغول به کار بود و در واقع، مسئولیت دیده‌بانی لشکر را هم به عهده داشت (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۶/۶/۲۱، AKR\_08VTR\_22000004)، دقیقه ۱۲:۱۵).

یکی دیگر از مسئولان قبضه آتشبار شخصی به نام رضایی از اهالی بود که آسیابانژاد تلفن چی وی بود. وظیفه اصلی تلفن چی این بود که گراهایی را می‌گرفت و سپس تحویل رییس قبضه می‌داد و در نهایت، شلیک انجام می‌شد (آسیابانژاد، ۱۳۶۹/۴/۱۸، AKASRZ\_161A.mp3).

نیروی انسانی واحد توپخانه زخمی‌ها و شهیدی را هم در کربلای یک تقدیم کرد. مجروحان این عملیات در مدتی که رزمندگان در خط بودند زیاد بودند. تعدادی از رزمندگان سنگر تدارکات و چند نفر از رزمندگان توپخانه اعزامی از رابر در میان مجروحان بودند. نحوه انتقال مجروحان و شهدا به پشت خط به این صورت بود که نیروهای امدادگر از داخل سنگرها مجروحان را به پشت تپه دشت مهران انتقال می‌دادند و از آنجا با آمبولانس‌های استتار شده مجروحان به بیمارستان رسانده می‌شدند (سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۶/۶/۲۱، AKR\_08VTR\_22000004)، دقیقه ۱۴:۱۵).

شهید شاخص توپخانه بسیجی به نام موسی اوژت بود که حدود پانزده سال سن داشت. وی در واحد توپخانه قبل از عملیات کربلای یک آموزش دیده‌بانی را سپری کرد و نقش وی در عملیات والفجر سه قبل از کربلای یک هم بسیار پررنگ بود. در عملیات کربلای یک، از روز هفتم تا هشتم عملیات، عراق فشاری شدید را روی لشکر ثارالله وارد کرده بود. از سوی دیگر، از فرماندهی دستور رسیده بود که شدت آتش را بیشتر کنند تا رزمندگان کمتر صدمه

مشاهده این وضع افراد تصمیم گرفتند به همان سنگر اولیه حرکت کنند. رزمندگان با مدد جتسن از اهل بیت و امام حسین (ع) به طرف سنگر بازگشتند؛ اما این شیار هم دیگر برای رزمندگان امن نبود. از سوی دیگر، آتش به میدان مین که در آنجا علف خشک زیاد بود رسیده بود. آتش حمله عراق به این شیار به نزدیک هزاروپانصد عدد گلوله استفاده‌نشده توپخانه ثارالله رسیده بود. واقعاً شرایطی سخت بر این جبهه حاکم بود. رزمندگان واحد توپخانه تصمیم گرفتند تا شیار خودشان را جابه‌جا کنند. البته هر کس قصد بیرون رفتن را داشت باید قید جان و زندگی خود را می‌زد؛ از این رو، افراد به صورت داوطلبانه و تک تک به بیرون شیار منتقل شدند و حدود سی تا چهل نفر از افرادی که در شیار بودند به سلامت به آن طرف شیار منتقل شدند. بلافاصله بعد از رفتن رزمندگان از شیار خودشان به شیار فرماندهی، تمام هزاروپانصد عدد گلوله به صورت هم‌زمان منفجر شدند. شدت انفجار تا حدی بود که این شیار در حالی که حدود پانصد متر با شیار پایین فاصله داشت، بعضی سنگرها را فرود آورده بود (آسیابانژاد، AKASRZ\_161A.mp3، ۱۳۶۹/۴/۱۸).

بعد از دو تا سه روز پس از اتمام عملیات، تمام واحدهای لشکر ثارالله منطقه را تحویل خطوط پدافندی دادند و به اهواز بازگشتند. در اهواز سوله‌هایی برای استقرار گردان‌های متفاوت ساخته شدند. توپخانه در اهواز هم گردان‌ها و سنگرهایی را ساخته بود که متعلق به گرفتن مرخصی و انجام دادن کارهای اداری بودند؛ اما نقطه تجمع اصلی آنان در فاو بود. به طور کلی، در دوران جگ ایران و عراق، مناطق فاو و شلمچه از اماکن خطوط پدافندی توپخانه لشکر ثارالله بودند (موسوی، ۱۳۹۸/۰۸/۲۰، جلسه پنجم).

### نیروی انسانی توپخانه

نیروهای کادری واحد توپخانه که در این عملیات وجود داشتند از نیروهای ماهر و زبده لشکر ثارالله بودند که از جمله آنان باید به علی عرب، حسن خواجه، علی سالمی، سید کمال هاشمی، عباس ابراهیمی، صیفی،

سه را داشت و در این زمان در اختیار ارتش جمهوری اسلامی ایران و در حالت پدافندی قرار داشت، تصرف کرد و این فتح را فتوحی بزرگ در مقابل عملیات والفجر هشت ایران می‌دانست. عراق پس از فتح این شهر و مناطق اطراف و تپه‌های آن، حدود دو تا سه ماه، خسارت‌ها و ضربه‌هایی شدید را بر آن وارد کرد و در نتیجه، نیروهای ایرانی برای بازپس‌گیری مجدد آن دست به کار شدند؛ از این رو، عملیات مهم کربلای یک در دو مرحله در تیرماه سال ۱۳۶۵ طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی و اجرایی شد. در زمانی کوتاه بعد از شروع عملیات و با پشتیبانی مناسب آتش توپخانه و عدم مشکل کمبود مهمات، نیروهای ایرانی و لشکر ثارالله ارتفاعات و تپه‌های اطراف شهر را به طور کامل تصرف کردند و نیروهای عراقی به عقب نشستند. نقش توپخانه در این عملیات بسیار مهم و مثرتر بود. رزمندگان در لحظه‌هایی از صحنه عملیات با تفنگ به جان دشمن افتادند و حتی در این راه، نوجوانی با فضایل اخلاقی زیاد از دید فرمانده توپخانه به نام موسی اوژت به شهادت رسید. رشادت رزمندگان و تأمین مهمات توپخانه در کنار عملکرد مناسب سایر واحدهای لشکر چهل‌ویک ثارالله به ویژه واحد ادوات باعث پیروزی در این صحنه عملیات و آزادسازی مهران در تیرماه سال ۱۳۶۵ شد. ویژگی این عملیات بهبود مشکل کمبود مهمات نسبت به عملیات‌های قبلی با توجه به تشکیلات و سیستم آتشبارهای جدید واحد توپخانه بود که همین امر باعث شد تا توپخانه رسالت اصلی خود، یعنی تأمین آتش پشتیبانی و حمایت از نیروهای ایرانی را بهتر انجام دهد و یکی از عوامل بازپس‌گیری مجدد شهر مهران و پیروزی ایران در این عملیات باشد.

### منابع

الف) منابع شفاهی  
سند شماره ۱-۳۸۹ (بی‌تا). کرمان: مؤسسه فرهنگی و هنری حماسه ثارالله.  
موسوی و شیرینی (بی‌تا). سند شماره ۱-۹-۰۰۴۸، مصاحبه‌کننده: نامعلوم. کرمان: مؤسسه فرهنگی و هنری

ببینند. در این میان، یک توپ زرهی از عراق حمله کرده بود و توپخانه هم با شدت بیشتر آتش می‌ریخت. در همین منطقه، یکی از دیده‌بانان بسیجی به نام شهید اوژت در بالای تپه سمینه با یک نفر دیگر در حال دیده‌بانی بود و مرتباً گلوله درخواست می‌کرد. به نوعی، او تنها دیده‌بانی بود که در آن موقعیت خطرناک که دشمن حدود ۲۰۰-۳۰۰ تانک را آورده بود و از سوی دیگر، آتش پرحجم توپخانه وجود داشت، بر روی موقعیت تپه سفید مرتباً برای مورد اصابت قرار دادن دشمن گلوله درخواست می‌کرد. شهید اوژت با وجود سن کم خود، در مقابل آتشبار ارتشی که در ریختن آتش کندی به خرج می‌داد، رفتاری جسورانه را از خود نشان می‌داد؛ «شهید اوژت از پشت بی‌سیم عصبانی صدا می‌زد چه کار می‌کنید ما علف زیر پایمان سبز شد، زود آتش بریزید. آن سروان ارتشی (با حالت تمسخر) درجا می‌گفت: چشم زود می‌ریزم» (سند شماره ۱-۹-۰۰۴۸، موسوی و شیرینی، بی‌تا).

موسوی اوژت تا عملیات کربلای یک همواره در بخش دیده‌بانی واحد توپخانه مشغول به کار بود و در همین عملیات در خط مقدم به درجه شهادت رسید (سند شماره ۱-۹-۰۰۴۸، موسوی و شیرینی، بی‌تا).

### نتیجه‌گیری

واحد توپخانه از ارگان‌های مهم و حیاتی و البته تازه‌تأسیس لشکر ثارالله در جنگ ایران و عراق تحت فرماندهی میثم میرشکاری بود و پس از آن، سید مرتضی موسوی از عملیات والفجر مقدماتی تا انتهای جنگ و پذیرش قطعنامه ایفای نقش کرد. یکی از عملیات‌های مهم و بسیار حیاتی در دوران جنگ عملیات کربلای یک بود که با هدف بازپس‌گیری مجدد شهر مهران از دست نیروهای عراق برنامه‌ریزی شد. عراق پس از دست دادن فاو در عملیات والفجر هشت و حیثیت خود در مجامع جهانی به فکر جبران این ضربه برآمد؛ از این رو، با کمک نیروهای نظامی خود که توسط دولت‌های اروپایی تقویت شده بودند، در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۶۵، منطقه مهران را که یک بار تجربه تصرف و از دست دادن آن در عملیات والفجر

حماسه ثارالله.

موسوی و شیرینی (بی تا). سند شماره ۹-۰۹۹۵،  
مصاحبه کننده: نامعلوم. کرمان: مؤسسه فرهنگی و هنری  
حماسه ثارالله.

آسیابانزاد، یوسف (۱۳۶۹/۰۴/۱۸). مصاحبه کننده:  
نامعلوم. کرمان: مؤسسه فرهنگی و هنری حماسه ثارالله.  
سلطانی نژاد، علی (۱۳۹۶/۰۶/۲۱). مصاحبه کننده:  
کرامت افشار. کرمان: مؤسسه فرهنگی و هنری حماسه  
ثارالله.

موسوی، سید مرتضی (۱۳۹۸/۰۸/۲۰). مصاحبه کننده:  
محمد علی ابراهیمی. کرمان: مؤسسه فرهنگی و هنری  
حماسه ثارالله.

ب) منابع مکتوب

پوراحمد، احمد (۱۳۸۶). *جغرافیای عملیات ماندگار*  
دفاع مقدس، به اهتمام حسن رسولی منفرد. تهران: بنیاد  
حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس.  
میرزایی، عباس (۱۳۹۵). *اطلس لشکر چهل و یک ثارالله*  
کرمان. تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.  
میرزایی، عباس (۱۳۹۶). *فرار از اسارت: نقش ثارالله در*  
*عملیات کربلای یک (نبرد دوم مهران)*. کرمان: گرا.

